

بررسی رابطه بین عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی

روستاییان (بررسی موردی: بخش لاجان شرقی، شهرستان پیرانشهر)

رشید احمد رش *

حسین دانش مهر ** شاهد شاکری ***

تاریخ دریافت: ۲۱ دی ۱۳۸۹

تاریخ پذیرش: ۰۶ تیر ۱۳۹۰

چکیده

اصولاً در جوامعی با تنوع فرهنگی فراوان همانند ایران، به دلیل متفاوت بودن ویژگی‌های فردی و شخصیتی و نیز ظرفیت‌های محلی و منطقه‌ای، میزان پذیرش برنامه‌های توسعه در مناطق مختلف کشور، متفاوت است. از این رو، در نظر گرفتن جوامع دهقانی به عنوان بافتی همگن و یکپارچه از سوی مصلحان توسعه روستایی، بیهوده است. در مقاله حاضر، در قالب پژوهش‌های کلاسیک نوسازی و با رویکردی انتقادی، به بررسی رابطه بین عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی، به عنوان یکی از زمینه‌های متغیر در قبول یا رد نگرش‌ها، ارزش‌ها و هنجارها با پایگاه اقتصادی - اجتماعی روستاییان می‌پردازیم. در پژوهش حاضر، جامعه آماری، دهقانان ساکن در روستاهای بخش لاجان شرقی در آذربایجان غربی هستند. با استفاده از فرمول کوکران و شیوه سهمیه‌بندی، ۳۰۷ نمونه به دست آمد که با روش قرعه‌کشی انتخاب شدند. اطلاعات مورد نیاز نیز از طریق پرسشنامه و مصاحبه حضوری جمع‌آوری گردید و سپس با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و روش‌های آماری توصیفی و استنباطی متناسب با سطوح سنجش متغیرها، داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در پژوهش حاضر، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، با سه شاخص ثروت، قدرت و منزلت مورد سنجش قرار گرفته است و خرده‌فرهنگ دهقانی نیز متغیرهای عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، فقدان نوآوری، تقدیرگرایی، پایین بودن سطح آرزوها، عدم چشم‌پوشی از منافع آبی به منافع آبی، فقدان نیاز به پیشرفت، فقدان همدلی و تصور خیر محدود را در میان دهقانان شامل می‌شود. بر اساس نتایج پژوهش، وضعیت عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی در جامعه مذکور و بسیاری از نگرش‌ها و مفاهیم موافق توسعه، نسبتاً خوب است. به جز در موارد نادر، همانند تقدیرگرایی که در جامعه مورد بررسی، بیشتر جنبه مذهبی دارد، سایر عناصر در سطح بسیار نازلی قرار دارند.

کلیدواژه‌ها: توسعه، توسعه اجتماعی، توسعه روستایی، خرده‌فرهنگ دهقانی، قشربندی، منزلت اجتماعی، نوسازی.

* مدرس دانشگاه پیام نور مرکز بوکان. rahmadrash76@yahoo.com

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی توسعه اجتماعی روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. (نوسنده مسئول)

Hdaneshmehr@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران. Shshakeri@ut.ac.ir

مقدمه

از جمله اصطلاحاتی که بعد از جنگ جهانی دوم، بسیار مورد استفاده جامعه‌شناسان و سیاستمداران قرار گرفت، اصطلاح توسعه^۱ بود. «واژه توسعه در لغت به معنای خروج از لفاف است. در قالب نظریه نوسازی، لفاف همان جامعه سنتی، فرهنگ و ارزش‌های مربوط به آن است که جوامع، برای متجدد شدن باید از این مرحله سنتی خارج شوند» (ازکیا و غفاری ۱۳۸۴: ۲۴). توسعه به مفهوم علمی آن، مرگ تدریجی نظام کهن و تولد و رشد نظامی جدید از زندگی است (عظیمی، ۱۳۷۵: ۳۴).

در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه، که ایران نیز یکی از آنها محسوب می‌شود، هرگاه از توسعه و پیشرفت صحبت می‌شود، اصولاً توجه به ویژگی‌ها و عوامل انسانی، پراکندگی جمعیتی و نیز بافت روستایی این قبیل کشورها، اهمیت فراوانی دارد. این قبیل از جوامع که با مشکلات متعدد ناشی از عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی خویش، مواجه هستند، به اشکال مختلف تلاش می‌کنند تا با اجرای برنامه‌های توسعه‌ای مختلف، نابسامانی‌های ناشی از توسعه‌نیافتگی خویش را کاهش دهند و برای بهبود شرایط زندگی مردم، گام بردارند.

ویدال دولابلاش^۲ درباره طرز تلقی و نگرش مردم، به عنوان یکی از عوامل مؤثر در توسعه بیان می‌کند که «تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌ها، می‌تواند به بهره‌برداری بیشتر از امکانات بینجامد یا امکانات کافی در اختیار جوامع انسانی قرار دهد» (شکویی، ۱۳۷۵: ۳۱).

از این رو، اگر برنامه‌های توسعه‌ای بر اساس شناخت ارزش‌ها، دیدگاه‌ها، نگرش‌ها و انگیزه‌های مردمی تدوین نشود که قرار است برنامه‌های توسعه‌ای، گامی برای بهبود وضعیت اسف‌بار آنها، به‌ویژه در مناطق حاشیه‌ای و دورافتاده باشد، نمی‌توان به تحقق اهداف چنین برنامه‌هایی امید داشت و شکست آنها، بدیهی است. در مقاله حاضر، نگاه ما معطوف به خلق و خوی، روحیات مردم و خرده‌فرهنگ‌هایی است که در نتیجه جامعه‌پذیری، در طول تاریخ در نهاد افراد، درونی شده است و لازمه تغییر آنها، تغییر در ساختارهای کلان جامعه است که به تدریج در شخصیت افراد تأثیر می‌گذارند.

بیان مسأله

اصولاً جوامع و فرهنگ‌های مختلف، به لحاظ ویژگی‌های فردی و شخصیتی و زمینه‌های پذیرش برنامه‌های توسعه با یکدیگر تفاوت دارند و در این زمینه، از تنوع و تکثر فراوانی برخوردار هستند. توسعه در

1 Development
2 Dolablash

بررسی رابطه بین عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی و ...

بسیاری از موارد، حتی عادات، رسوم و عقاید مردم را نیز شامل می‌شود (لهمان^۱، ۱۹۷۹: ۳۴). از این رو، در نظر گرفتن جامعه چندفرهنگی^۲ ایران، به عنوان بافتی یکپارچه و هماهنگ از سوی کارگزاران توسعه، بهبود یافته است و بیان پیشنهادها، راهکارها و برنامه‌های توسعه‌ای متمرکز و یکسان برای چنین جوامعی که از تنوع و تکثر بسیار زیادی برخوردارند، منطقی نیست. در واقع، در کنار عواملی مانند شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه و نوع دیدگاه کارشناسان و برنامه‌ریزان درباره مسائل توسعه، خلق و خوی و روحیات مردم، تجربیات و واقعیات گذشته نیز می‌توانند بر پذیرش یا عدم پذیرش نوآوری‌ها مؤثر باشند. از این رو، در ایران طرح‌های توسعه روستایی با وجود سرمایه‌گذاری‌های سنگین، در اغلب موارد بدون توجه به عوامل مذکور، شکست خورده‌اند.

مسئله اصلی در مقاله حاضر، شناخت عوامل خرده‌فرهنگ دهقانی در میان دهقانان جامعه مذکور و نیز رابطه بین عوامل یادشده با پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان در قالب نظریه‌ای ترکیبی بر پایه مکتب نوسازی است.

چارچوب نظری

تعداد زیادی از متفکران در ادبیات توسعه روستایی، به‌ویژه نظریه‌های مکتب نوسازی^۳ که بنیان نظری مقاله حاضر است، موانع اجتماعی و فرهنگی توسعه روستایی را مورد توجه قرار داده‌اند. متفکران مذکور، وجود مشکلات عمده در فرایند نوسازی و دگرگونی ساختاری در جوامع در حال توسعه، مقاومت در برابر پذیرش افکار جدید، نوآوری‌ها و هر ایده و طرح نو را به‌ویژه در جوامع روستایی، منتسب به نظام باورها، ارزش‌ها و اعتقادات فرهنگی و سنتی می‌دانند. صاحب‌نظرانی مانند لرنر^۴ (۱۹۵۸)، لویس^۵ (۱۹۶۰)، تکس^۶ (۱۹۶۳)، روزن^۷ (۱۹۶۴)، فاستر^۸ (۱۹۶۵)، راجرز^۹ (۱۹۶۹)، ردفیلد^{۱۰} (۱۹۸۰) و دیگران، با بیان مفهوم عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی تلاش کرده‌اند که دلایل توسعه‌نیافتگی برخی از مناطق جهان را نظام ارزش‌ها و باورهای سنتی و فرهنگی آن جوامع بدانند و درصدد آزمون اعتبار تجربی این نظریه در برخی از جوامع سنتی بوده‌اند.

بحث درباره مشابهت‌های "خرده‌فرهنگ دهقانی" به این معنی نیست که پژوهش درباره تک تک روستاها ضرورت ندارد، بلکه باید از ترکیب پژوهش‌های مذکور، برای استخراج ویژگی‌های مشترک روستاها و تعمیم

1 Lehman

2 Malticulturalism

3 Modernisation

4 Lerner

5 Lewis

6 Tax

7 Rosen

8 Foster

9 Rogers

10 Redfield

آنها استفاده کرد. خرده فرهنگ، بسیاری از عناصر فرهنگ کلی تر را که خود جزئی از آن است، شامل می شود. اما در ضمن، برخی از جنبه های خاص، در فرهنگ کلی تر وجود ندارد یا در سایر اعضای آن جامعه خاص دیده نمی شود (ازکیا، ۱۳۸۴: ۱۱۹-۱۱۸). برای مثال، دهقانان شهرستان پیرانشهر، در عین اینکه ایرانی هستند و از بسیاری از ویژگی های فرهنگ ملی برخوردارند، عناصر خاصی را نیز از فرهنگ دهقانی جامعه کردی دارند.

در خرده فرهنگ دهقانی، هنجارها^۱، ارزش ها^۲ و نگرش ها^۳، سه عنصر اصلی و مهم برای درک رفتار گروه گروه محسوب می شوند. هنجارها، نظام های پاداش و مجازات هستند که اجرای اصول و قواعد رفتاری را در هر جامعه تضمین می کنند. به عبارت دیگر، نمادهایی محسوب می شوند که مورد توافق جمع هستند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۳۵-۳۴).

نگرش ها، آمادگی ذهنی افراد برای انجام عملی هستند. به اعتقاد دوربا، نگرش «وضع روانی است که یک فرد انسانی به منظور عمل کردن بر له یا علیه یک هدف معین به خود می گیرد» (دوربا، ۱۹۷۴ به نقل از ازکیا، ۱۳۸۴: ۱۱۹).

انگیزه ها، نیازها و علایق افراد را به انواع خاصی از فعالیت ها نشان می دهند. شخصیت افراد، نظام سازمان یافته ای از جهت گیری و انگیزش کنش کنشگر است و از این رو، عنصر سازنده بنیادی شخصیت، تمایل نیاز است. با این وصف، تمایلات نیازی به عنوان گرایش هایی تعریف شده اند که بی خطر هستند و در فرایند کنش به دست می آیند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۳۵).

پایگاه اجتماعی - اقتصادی

"پایگاه" معادل فارسی واژه انگلیسی (Status) و فرانسه (Statu) است و در متون ادبیات کلاسیک جامعه شناسی، به معنی مقام، منزلت و شأن به کار رفته است (ملوین، ۱۳۷۹: ۶۴). به اعتقاد وبر، پایگاه به حرمت یا احترام اجتماعی اطلاق می گردد که به افراد یا گروه ها واگذار می شود. از حدود سه دهه قبل، در ادبیات جامعه شناسی روستایی ایران، تقسیم دهقانان به سه زیرگروه تهی دست^۴، میانی^۵ و غنی^۶ معمول شده است. این تقسیم بندی صوری، کم و بیش معادل نظام قشر بندی اجتماعی دهقانان شناخته شده است (زاهدی، ۱۳۷۷: ۱۰۷).

1 Norm
2 Value
3 Attitude
4 Poor
5 Middle
6 Rich

بررسی رابطه بین عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی و ...

نظریه‌پردازان مختلف در تعیین قشربندی اجتماعی^۱ در جامعه، بر عوامل مختلف تأکید کرده‌اند. برای مثال، مارکس بر عامل اقتصادی، دارندورف^۲ بر برخورداری متفاوت از قدرت و اقتدار سیاسی، وبر بر بهره‌مندی‌های متفاوت از منزلت اجتماعی، بوردیو^۳ بر نوع مصرف و سبک زندگی^۴ و گیدنز بر آموزش و مهارت‌های اجتماعی، به عنوان عوامل تأثیرگذار بر تعیین قشربندی اجتماعی تأکید کرده‌اند. تحول در مفهوم قشربندی جامعه، بیانگر این واقعیت است که مفهوم مذکور، تحت تأثیر عوامل متعدد، پیچیده و درهم‌تنیده شکل می‌گیرد. از این رو، در مقاله حاضر، از اصطلاح پایگاه اجتماعی - اقتصادی استفاده می‌شود، با این فرض که واژه پایگاه، از انعطاف مفهومی بیشتری برخوردار است و غیر از بعد اقتصادی (درآمد و ثروت)، بعد فرهنگی (تحصیلات) و بعد اجتماعی (منزلت شغلی) را نیز شامل می‌شود. از این رو، در حال حاضر، طیف وسیعی از پژوهشگران، هنگام بررسی نظام قشربندی، از اصطلاح پایگاه اجتماعی - اقتصادی استفاده می‌کنند.

در پژوهش حاضر، برای تعیین پایگاه اقتصادی - اجتماعی دهقانان در منطقه مورد بررسی، از سه شاخص کلی قدرت، ثروت و منزلت در دستگاه وبری استفاده شده است. اما باید توجه کرد که عواملی مانند عوامل ژنتیکی، فرایند جامعه‌پذیری، تجربیات حاصل از کار، سبک زندگی، آثار روانی تجربه نابرابری و غیره، بر پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد و نیز بر رفتار آنها تأثیر می‌گذارد.

یکی از مکاتب مهم درباره توسعه، به‌ویژه "توسعه روستایی"^۵ مکتب نوسازی است که قالب فکری بسیاری از نظریه‌پردازان را تشکیل داده است. در پژوهش حاضر، بر آراء و افکار آن دسته از اندیشمندان و صاحب‌نظرانی تأکید شده است که در حوزه روانشناسی اجتماعی توسعه، ارزش‌ها، ایستارها و تأثیر عوامل فرهنگی و روانی را در فرایند توسعه مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین به تعریف و تبیین برخی از عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی، به عنوان متغیرهای اصلی پژوهش در میان روستاییان، در قالب چارچوب نظری پژوهش پرداخته‌ایم که برگرفته از نظریه‌های راجرز، فاستر، لرنر و مک کله‌لند هستند.

اورت راجرز، یکی از معدود جامعه‌شناسان توسعه است که با دقت و ظرافت خاصی به تبیین دلایل توسعه‌نیافتگی جوامع پرداخته است. وی به‌ویژه بر تأثیر عوامل ذهنی، فرهنگی و به‌طور مشخص تأثیر "خرده‌فرهنگ دهقانی"^۶ در گسترش توسعه‌نیافتگی جوامع تأکید کرده است.

راجرز در سال ۱۹۶۹، تحت تأثیر افکار وبر، بیان کرد که دهقانان در سراسر جهان، از ارزش‌های فرهنگی مشابهی برخوردارند (فرهنگ خاص دهقانان) و دلیل اصلی فقر آنها، ارزش‌های جامعه دهقانی است که با

1 Social Stratification
2 Dahrendorf
3 Bourdieu
4 Life- Style
5 Rural Development
6 Sub-culture of Peasantry

ارزش‌ها و عوامل مساعد برای توسعه ناسازگار هستند. به اعتقاد راجرز، برای اجرای هر گونه برنامه توسعه، باید به شناخت افرادی پرداخت که برنامه‌های مذکور برای آنها اجرا می‌شود. از این رو، در بحث از خرده‌فرهنگ دهقانی، باید به ترکیب عناصر نظری درباره انگیزه‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های دهقانان خرده‌پا پرداخت (ازکیا، ۱۳۸۴: ۲۴). راجرز معتقد بود که «تغییرات اجتماعی، از طریق اتخاذ نوآوری‌ها رخ می‌دهد و این کار به نوبه خود، از طریق پراکنش اطلاعات انجام می‌شود» (راجرز، ۱۹۶۹: ۶۷).

دانیل لرنر نیز با "رویکرد جامعه‌شناختی - روان‌شناختی" به بررسی نوسازی پرداخته است. اندیشه لرنر در چارچوب نظریه اشاعه فرهنگی^۱ قرار می‌گیرد. به اعتقاد لرنر، سوادآموزی، گسترش رسانه‌های گروهی، شهرنشینی و مشارکت، مهمترین عوامل و سازوکارهایی هستند که در تحرک ذهنی و آمادگی روانی انسان‌ها برای متجدد شدن مؤثرند (لرنر، ۱۹۵۸: ۹۱). لرنر بر مبنای حالات روانی و نگرش‌های انسان‌ها درباره محیط اجتماعی و عناصر آن، انسان‌ها را به سه دسته یعنی نوگرا، در حال تحول و سنتی تقسیم کرده است. به اعتقاد وی، انسان نوگرا، برخوردار از طرز فکر جهانی و نه محلی، قدرت انتقال فکر، سواد، بینش غیرزاهدانه و زندگی شهرنشینی است. به طور کلی، دانیل لرنر معتقد است که سه عامل اصلی، یعنی شهرگرایی، سوادآموزی و توسعه وسایل ارتباط جمعی در متجدد شدن انسان‌ها تأثیر مهمی داشته‌اند (کازانو، ۱۳۵۴: ۳۴).

دیوید مک‌کله‌لند، روان‌شناس اجتماعی معروف امریکایی، جزء آن گروه از نظریه‌پردازان مکتب نوسازی بود که ضمن بررسی مسائل مربوط به توسعه، بر جنبه‌های روانشناسی آن نیز تأکید کرده است. وی در سال ۱۹۶۱، با چاپ کتاب خود با عنوان "جامعه در حال گذار"، مسایل جدیدی را درباره تأثیر افراد در نوسازی مطرح کرد. به اعتقاد مک‌کله‌لند، «فقط در حالتی می‌توان گفت شخص از انگیزه پیشرفت قوی برخوردار است که پی در پی به چگونگی بهبود وضعیت فعلی بیندیشد یا به اینکه چگونه می‌توان یک وظیفه را با راه‌های بهتری انجام داد» (ازکیا، ۱۳۷۷ به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۸۲: ۲۶).

مک‌کله‌لند، نتایج حاصل از پژوهش خود را چنین خلاصه می‌کند: «نیاز به موفقیت^۲ از فردی به فرد دیگر متفاوت است، جوامع نیز از این لحاظ متفاوت‌اند، کشورها، گروه‌ها، مذاهب، گروه‌های قومی، طبقات اجتماعی و دوره‌های تاریخی نیز هر کدام درجات متفاوتی از انگیزه موفقیت را دارند». وی همچنین اعتقاد دارد که سیاست‌گذاران نباید فقط به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی اکتفا کنند، بلکه باید به سرمایه‌گذاری در خصوص عوامل انسانی نیز بها دهند (سو، ۱۳۸۰: ۵۵). از آنجایی که «منابع انسانی، بنیان اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهند، سرمایه و منابع طبیعی، عوامل تبعی هستند» (تودارو، ۱۳۶۶: ۴۷۲).

1 Cultural Difussion
2 Need for Achievement

بررسی رابطه بین عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی و ...

فاستر نیز معتقد است که برای اجرای هر گونه برنامه موفق توسعه روستایی، باید به شناخت باورها، اعتقادات، خلق و خوی، روحیات و نگرش‌های افرادی پرداخت که این برنامه‌ها برای آنها اجرا می‌شود (محسنی تبریزی، ۱۳۷۹: ۷۵). در ذیل به تعریف و تبیین برخی از عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی می‌پردازیم که در پژوهش حاضر، به‌عنوان ویژگی‌های اصلی دهقانان بخش لاجان شرقی در آذربایجان غربی تشخیص داده شده‌اند.

– **عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی**^۱: «دهقانان معتقدند که میزان چیزهای خوب در ده، همیشه ثابت است و هر فرد باید پیوسته برای کسب سهم بیشتری از این چیزهای خوب، به حقه‌بازی پردازد» (بام، ۱۹۶۳: ۵۳). وجود روحیه عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی روستاییان و عشایر، مانع گسترش روحیه تعاونی و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی است. زیرا یکی از بنیان‌های مهم توسعه روستایی، مبتنی بر تعاون^۳ و همکاری میان روستاییان است و فقدان این روحیه، از دلایل عدم موفقیت بسیاری از برنامه‌های توسعه روستایی در جوامع دهقانی است.

– **فقدان نوآوری**^۴: بیشتر دهقانان خود را ملزم به رعایت و انجام اموری می‌دانند که از اجدادشان یاد گرفته‌اند، به ایجاد یا پذیرش نوآوری‌ها گرایش ندارند و گاهی نیز با آن مخالفت می‌کنند. از این رو، در جوامع دهقانی، شاید رواج این ایده که فرد بر کنترل محیط، توانایی اندکی دارد، اجتناب‌ناپذیر باشد (روزن، ۱۹۸۴: ۱۱۱). پژوهش‌های انجام شده در برخی از مناطق روستایی و عشایری آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا نشان می‌دهد که دهقانان در مقایسه با سرمایه‌داران و مالکان اراضی، از نوپذیری کمی برخوردارند (ازکیا، ۱۳۶۳، به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۸۲: ۱۳).

– **تقدیرگرایی**^۵: به اعتقاد راجرز، تقدیرگرایی یعنی اعتقاد فرد به عدم توانایی‌اش در خصوص کنترل آینده. دهقانان "سرنوشت"^۶ را عامل اصلی و قدرت مطلقه در موفقیت‌ها و شکست‌های خود می‌دانند. لوی نیز دهقانان را مطیع و بی‌اراده، تقدیرگرا و صبور معرفی می‌کند (ازکیا، ۱۳۸۴: ۱۲۴). به اعتقاد راجرز، در خصوص پذیرش نوسازی و تغییر در میان دهقانان که زندگی‌شان مبتنی بر ساخت سنتی خانواده روستایی با ساخت مقتدرانه است، روحیه تقدیرگرایی، موجب می‌شود جوان‌ترها افرادی بی‌اراده، وابسته و مطیع تربیت شوند.

1 Lack of Intertrust In Interpersona Relations

2 Baum

3 Cooperation

4 Lack of Innovativeness

5 Fatalism

6 Fate

- **پایین بودن سطح آرزوها^۱**: منظور این است که افراد جامعه، توقع کمی دارند و فاقد انگیزه‌ای قوی، برای پیشرفت هستند. آنها به رفع نیازهای اساسی در تهیه غذا، لباس، مسکن و غیره بسنده می‌کنند و به لحاظ آرزوهای شغلی، پایگاه اجتماعی و میزان تحصیلات، توقع چندانی ندارند. اکثر دهقانان فاقد انگیزه‌ای قوی و جاه‌طلبی برای پیشرفت فردی هستند. به اعتقاد فاستر، برخی از ارزش‌ها و هدف‌های فرهنگی انگلوساکسون مانند سخت‌کوشی، عقل‌معاش و جمع‌آوری ثروت، در جوامع دهقانی بی‌معنی است (ازکیا، ۱۳۸۴: ۱۲۵).

- **عدم چشم‌پوشی از منافع آئی به منظور دستیابی به منافع آئی^۲**: منظور، معوق گذاشتن نیازهای فوری، به منظور کسب منافع بیشتر در آینده است. به اعتقاد راجرز، در جوامع روستایی، افراد غالباً پاداش‌های کوتاه‌مدت را بر اهداف بلندمدت ترجیح می‌دهند و این وضعیت، مانع توسعه است. ایسوپ فایل^۳ معتقد است که رفتار دهقانان خرده‌پا، شبیه ملخ است تا مورچه. زیرا آنها نیز همانند ملخ‌های گرسنه هر چه گیرشان می‌آید، می‌خورند و بر خلاف مورچه‌ها، فاقد آذوقه، غذا و توشه کافی ذخیره شده برای فردا هستند (ازکیا، ۱۳۸۴: ۱۲۴).

- **فقدان نیاز به پیشرفت^۴**: دیوید مک‌کله‌لند، نخستین بار این مفهوم را مطرح کرد. وی نیاز به پیشرفت را را ویروسی ذهنی می‌داند که نوع خاصی از فکر کردن را در افراد ایجاد می‌کند که نسبتاً کمیاب است. ولی وقتی این ویروس در فرد به وجود آید، وی را وادار می‌کند که پشتکار داشته باشد، خود را برتر از مردمی ببیند که در اطرافش زندگی می‌کنند، کار کند، در خصوص آینده خود، حساس و دلوپس باشد، به ارزش علم و فناوری واقف باشد، برای کارهای خود برنامه‌ریزی داشته باشد و نظایر آن.

- **فقدان همدلی^۵**: به اعتقاد لرنر، همدلی «میزان توانایی فرد در تصور خویش در نقش دیگران است». لرنر در پژوهش‌های خود در شش کشور خاورمیانه نشان داد که دهقانان و روستاییان، همدلی کمتری نسبت به شهرنشینان دارند. دلیل کم بودن میزان همدلی در نزد دهقانان، ویژگی‌های شخصیتی، نظام باورها و ارزش‌ها، ساختارهای فرهنگی و اجتماعی، شیوه تولید، تقسیم کار، محیط اجتماعی و فرایندهای مربوط به شکل‌گیری شخصیت دهقانان و فرایند اجتماعی شدن و تربیت آنها است (ازکیا، ۱۳۷۷ به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۸۲: ۲۲).

- **تصور خیر محدود^۶**: تصور خیر محدود، به عنوان یکی از عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی، مبین این تصور تصور در میان دهقانان است که چیزهای مطلوب در زندگی، همانند زمین، ثروت، قدرت، امنیت و نظایر آن، به

1 Low Aspirational Levels
2 Alack of Deffered Gratification
3 Aesop Fahle
4 Lack of Achievement Motivation
5 Lack of Empathy
6 Limited Good

بررسی رابطه بین عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی و ...

میزان محدودی وجود دارند و پیشی گرفتن یک فرد در زمینه‌های فوق، موجب زیان دیگری می‌شود. صاحب‌نظرانی نظیر فاستر و راجرز به بسط مفهوم مذکور پرداخته‌اند و سپس افرادی مانند لزلی^۱ و ماندل بائوم^۲، در پژوهش‌های خود به مشاهده و سنجش تجربی این مفهوم پرداخته‌اند (لزلی، ۱۹۶۰ به نقل از ازکیا، ۱۳۸۴: ۱۲۲). باید به این موضوع توجه کرد که در گذشته، سرنوشت بسیاری از دهقانان در دست تصمیم‌گیرندگانی بود که بدون توجه به آمال دهقانان و کاملاً در جهت ۱۸۰ درجه‌ای، برای آنان نسخه می‌پیچیدند (کیم^۳، ۲۰۰۵: ۸۵۳).

در پژوهش حاضر، تلاش کرده‌ایم به منظور سنجش متغیرهای مورد نظر در فرضیه‌های پژوهش، از گویه‌های استاندارد شده پژوهشگران خارجی (راجرز، مک کله‌لند و غیره) یا داخلی (ازکیا، محسنی تبریزی، غفاری، زاهدی و غیره) استفاده کنیم که آنها برای سنجش مفاهیم مشابه در پژوهش‌های‌شان مورد استفاده قرار داده‌اند. البته گویه‌های مذکور، پس از محلی و بومی کردن و نیز هماهنگ کردن مقیاس‌ها با جامعه آماری مذکور مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اهداف پژوهش

اهداف پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

- بررسی میزان عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی میان دهقانان و تأثیر آن بر پایگاه (قشربندی) اقتصادی - اجتماعی.
- بررسی میزان نوآوری در میان دهقانان و تأثیر آن بر پایگاه (قشربندی) اقتصادی - اجتماعی.
- بررسی میزان تقدیرگرایی در میان دهقانان و تأثیر آن بر پایگاه (قشربندی) اقتصادی - اجتماعی.
- بررسی سطوح آرزوها در میان دهقانان و تأثیر آن بر پایگاه (قشربندی) اقتصادی - اجتماعی.
- بررسی میزان عدم چشم‌پوشی از منافع آتی به منظور دستیابی به منافع آتی در میان دهقانان و تأثیر آن بر پایگاه (قشربندی) اقتصادی - اجتماعی.
- بررسی میزان نیاز به پیشرفت در میان دهقانان و تأثیر آن بر پایگاه (قشربندی) اقتصادی - اجتماعی.
- بررسی میزان همدلی در میان دهقانان و تأثیر آن بر پایگاه (قشربندی) اقتصادی - اجتماعی.
- بررسی میزان تصور خیر محدود در میان دهقانان و تأثیر آن بر پایگاه (قشربندی) اقتصادی - اجتماعی.

1 Leslie
2 Mandel Boum
3 Kim

روش پژوهش

در پژوهش حاضر، از روش پیمایش^۱ استفاده شده است. دلیل انتخاب روش پیمایش، وسعت جامعه مذکور و تعداد متغیرهایی است که باید مورد سنجش قرار گیرند. پژوهش حاضر، به لحاظ زمانی، از پژوهش‌های مقطعی^۲ محسوب می‌شود، زیرا در یک مقطع زمانی خاص، یعنی در سال ۱۳۸۸، در بخش لاجان شرقی در آذربایجان غربی انجام شده است. اطلاعات مورد نیاز نیز با استفاده از مصاحبه^۳ و پرسشنامه^۴ شده است.

اعتبار^۵ و روایی^۶ پژوهش

به منظور سنجش اعتبار، از اعتبار محتوایی، به‌ویژه نوع صوری آن استفاده شده است. به طوری که برخی از اساتید و دانشجویان جامعه‌شناسی، گویه‌ها را مورد بررسی و تأیید قرار داده‌اند. همچنین مقدار شاخص^۷ KMO، ۰/۷۴ است و معناداری آزمون بارتلت^۸ (sig=۰/۰۰۰) است که بیانگر اعتبار داده‌ها برای بکارگیری تحلیل عاملی است. روایی پرسشنامه نیز با آلفای کرونباخ^۹ (پایداری درونی گویه‌ها) اندازه‌گیری شده است. مقدار آلفای کرونباخ ۰/۷۶ است که نشان می‌دهد وسیله اندازه‌گیری، از روایی مطلوبی برخوردار است.

جامعه آماری و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر، همه مناطق روستایی شهرستان پیرانشهر هستند. از آنجایی که احتمال کاهش یا افزایش جمعیت روستاهای شهرستان، در سال ۱۳۸۸ تقریباً بسیار کم بوده است، اطلاعات مربوط به سرشماری سراسری سال ۱۳۸۵ را برای تعیین جامعه آماری مورد استفاده قرار دادیم و به منظور افزایش دقت و کاهش هزینه و وقت، با استفاده از نمونه‌گیری، به تحدید جامعه آماری پرداختیم. همه روستاهای واقع در شهرستان پیرانشهر در سال ۱۳۸۵، که در هنگام انجام پژوهش، ۱۵۶ روستا بوده‌اند، به عنوان جامعه آماری پژوهش در نظر گرفته شدند. همچنین به لحاظ وسعت منطقه مورد بررسی و به دلیل عدم امکان بررسی همه

- 1 Survey Method
- 2 Cross-Sectional Studies
- 3 Interview
- 4 Questionnaire
- 5 Validity
- 6 Reliability
- 7 Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy
- 8 Bartlett's Test of Sphericity
- 9 Coefficient Alpha

بررسی رابطه بین عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی و ...

مناطق روستایی، به منظور دستیابی به حجم نمونه‌ای که به اندازه کافی نمایا باشد، روستاهای دارای سکنه بخش لاجان شرقی که در هنگام انجام پژوهش، ۶۳ مورد بوده‌اند، به‌عنوان نمونه آماری برای این کار انتخاب شدند.

جدول (۱): تعداد آبادی‌های دارای سکنه شهرستان بر حسب بخش

درصد توزیع فراوانی	تعداد آبادی	
۴۰/۵	۶۳	بخش لاجان
۵۹/۵	۹۳	بخش مرکزی
۱۰۰	۱۵۶	کل شهرستان

منبع: سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵

همه خانوارهای دهستان لاجان شرقی، بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، حدود ۲۲۹۸ خانوار هستند که با در نظر گرفتن یک سرپرست برای هر خانوار و تخمین تعداد خانوارهای خوش‌نشین در حدود ۲۰ درصد از کل جامعه آماری، حجم نهایی جامعه آماری، به حدود ۱۷۰۰ سرپرست خانوار تقلیل یافت. در این مرحله، با استفاده از فرمول کوکران^۱، حجم نمونه ۳۰۷ نفر برآورد شد که بیانگر نمایا بودن هر چه بیشتر حجم نمونه و افزایش قابلیت تعمیم نتایج پژوهش است.

معرفی مختصر منطقه مورد بررسی

پیرانشهر یکی از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی است که در غرب این استان واقع شده است و مرکز آن، شهر پیرانشهر است. شهرستان پیرانشهر، دو بخش، پنج دهستان، ۱۵۶ آبادی دارای سکنه و ۱۹ آبادی خالی از سکنه دارد. منطقه مذکور، به لحاظ جغرافیایی کوهستانی است، به طوری که زمستانی سرد با بارش برف و باران زیاد و تابستان‌های نسبتاً معتدل دارد. وجود زمین‌های حاصلخیز، رودهای پرآب و مناطق کوهستانی و بیلاقی با پوشش گیاهی مناسب باعث شده است، زندگی بیشتر ساکنان منطقه به شغل کشاورزی یا دامداری وابسته باشد. بدیهی است که به جز موارد معدودی، در بقیه موارد، اشکال سنتی کشاورزی به طور نسبی و دامداری به طور کلی حفظ شده است. همین موضوع، موجب تداوم مناسبات سنتی خاص در میان افراد شده است. به لحاظ ساختار قدرت و نیز مناسبات اجتماعی، تا قبل از اجرای اصلاحات ارضی^۲، نظام ارباب رعیتی^۳، شکل غالب نظام اجتماعی را تشکیل می‌داد.

1 chochran
2 Land Reform
3 Territorialism

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

در آبان ۱۳۷۵، جمعیت شهرستان، ۸۶۷۲۱ نفر بوده است. از این تعداد، ۳۳۸۰۵ نفر در مناطق شهری و ۵۲۹۱۶ نفر نیز در نواحی روستایی ساکن بوده‌اند. از جمعیت ساکن در نقاط روستایی شهرستان، ۲۷۷۴۹ نفر مرد و ۲۵۱۶۷ نفر نیز زن بوده‌اند. نسبت جنسی در جمعیت مذکور نشان می‌دهد که در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن، ۱۱۰ نفر مرد وجود داشته است. این نسبت در بین اطفال کمتر از یک‌سال، ۱۲۳ و در بین افراد ۶۵ ساله و بیشتر، ۱۴۰ بوده است. از جمعیت ساکن در نواحی روستایی شهرستان، ۴۴/۲۰ درصد در گروه سنی کمتر از ۱۵ سال، ۵۱/۸۲ درصد در گروه سنی ۱۵-۶۴ سال و ۳/۹۷ درصد در گروه سنی ۶۵ سال و بیشتر قرار داشته و سن بقیه افراد نیز نامشخص بوده است.

یافته‌های پژوهش

الف) نتایج توصیفی پژوهش

متغیرهای زمینه‌ای پاسخگویان

برخی از خصوصیات فردی ۳۰۷ نفر از روستاییان مورد بررسی در جدول زیر بیان شده است.

جدول (۲): خصوصیات فردی پاسخگویان

ردیف	ویژگی‌های فردی	درصد توزیع فراوانی
۱	مرد	۸۹/۲
۲	زن	۱۰/۸
۴	باسواد	۴۹
۵	مالک زمین زراعی	۸۶
۶	مرفه	۵/۳
۷	متوسط	۱۶
۸	فقیر	۷۸/۷
۹	تعداد افراد خانوار بیشتر از ۱۰ نفر	۲۸/۵
۱۰	میانگین سنی بین ۳۱ تا ۴۵ سال	۵۲/۲

شاخص تعیین پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد مورد بررسی

برای سنجش وضعیت پایگاه اقتصادی - اجتماعی در میان دهقانان، از سه شاخص قدرت^۱، ثروت^۲ و منزلت^۳ استفاده شده است. سپس هر کدام از شاخص‌های فوق بر اساس معرف‌های متناسب با جامعه مورد

1 Power
2 Wealth
3 Status

بررسی رابطه بین عناصر خرده فرهنگ دهقانی و ...

بررسی سنجیده شده است. چگونگی تعیین معرف‌های شاخص‌ها، تعداد عامل‌ها و مقدار بار عاملی در جدول (۳) بیان شده است.

جدول (۳): شاخص پایگاه اقتصادی- اجتماعی و تعیین بار عاملی و مقادیر اشتراک هر یک از متغیرها

اشتراک	بار عاملی	مقدار ویژه	عامل	معرف	شاخص
۰/۵۴	۰/۵۱	۱/۳۴	۱	- شغل سرپرست	قدرت عامل ۱ (ویژگی‌های فردی) عامل ۲ (ویژگی‌های خانوادگی)
۰/۸۷	۰/۶۸	۱/۲۵	۱	- سن سرپرست	
۰/۶۲	۰/۵۲	۱/۰۲	۱	- جنس سرپرست	
۰/۵۸	۰/۶۲	۱/۱۸	۲	- تعداد اعضای خانوار	
۰/۶۲	۰/۵۶	۱/۳۱	۲	- تعداد افراد شاغل	
۰/۶۸	۰/۷۴	۱/۸۸	۱	- سواد سرپرست	منزلت عامل ۱ (ویژگی شخص سرپرست) عامل ۲ (وضعیت خانواده و تحصیل فرزندان) عامل ۳ (قشربندی ذهنی)
۰/۵۷	۰/۷۲	۱/۳۲	۱	- شغل اصلی سرپرست	
۰/۶۴	۰/۸۱	۱/۲۵	۲	- فرزندان دیپلم و بیشتر	
۰/۵۶	۰/۷۳	۱/۲۰	۲	- میزان هزینه ماهیانه	
۰/۶۶	۰/۸۳	۱/۱	۳	- ارزیابی فرد از موقعیت خود (دهقان مرفه، متوسط و فقیر)	
۰/۷۳	۰/۸۸۱	۱/۳۳	۱	- زمین زراعی (آبی، دیم، اجاره‌ای)	ثروت عامل ۱ (زمین) عامل ۲ (دارایی) عامل ۳ (مالکیت)
۰/۵۲	۰/۸۶۷	۱/۱۷	۱	- زمین تجاری	
۰/۶۹	۰/۸۱۳	۱/۲۴	۱	- باغ و قلمستان	
۰/۷۱	۰/۸۱۵	۱/۶۸	۲	- ابزار آلات کشاورزی (تراکتور، خرمین کوب، موتور پمپ، دروگر)	
۰/۶۵	۰/۷۹۳	۱/۱۲	۲	- دارایی‌های عمده (کامیون و مینی‌بوس، سواری، وانت، موتور سیکلت)	
۰/۷۳	۰/۷۶۴	۱/۲۷	۲	- واحد دامی (گاو، گوساله، گوسفند، بز)	
۰/۶۷	۰/۸۷۳	۱/۷۴	۳	- مالکیت زمین	

الف) قدرت

اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد که عوامل استخراج شده فوق، کلاً ۷۶/۳ درصد از واریانس قدرت را در جامعه مذکور تبیین می‌کنند. عامل شماره یک، "ویژگی‌های فردی" است که سن سرپرست خانوار، جنس و شغل سرپرست خانوار را شامل می‌شود. عامل ویژگی‌های فردی، ۵۷ درصد از واریانس مربوط به قدرت را تبیین می‌کند و بیشترین بار عاملی را به خود اختصاص داده است. عامل دوم که "ویژگی‌های خانوادگی

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

سرپرست" نامیده شده است و تعداد اعضای خانوار و افراد شاغل در خانوار را شامل می‌شود، ۵۹ درصد از واریانس را تبیین می‌کند و بیشترین بار عاملی را به خود اختصاص داده است.

(ب) منزلت

نتایج حاصل از جدول (۳) نشان می‌دهد که به طور کلی، پنج عامل برای تبیین واریانس مربوط به شاخص منزلت اجتماعی استخراج گردیده که کلاً، ۷۹/۸۱ درصد از واریانس مربوط به منزلت اجتماعی را تبیین کرده‌اند. عامل اول که سواد سرپرست و شغل اصلی سرپرست خانوار را شامل می‌شود، ۷۳ درصد و سایر عوامل نیز به ترتیب اهمیت، ۸۳ و ۷۷ درصد از واریانس شاخص منزلت را تبیین کرده‌اند. دو عامل سواد و ارزیابی فرد از موقعیت خود نیز بیشترین واریانس شاخص منزلت را تبیین کرده‌اند.

(ج) ثروت

نتایج حاصل از جدول فوق نشان می‌دهد که عوامل استخراج شده فوق، کلاً ۸۱/۳ درصد از واریانس ثروت را در بخش لاجان شرقی در شهرستان پیرانشهر تبیین می‌کنند. عامل شماره یک، که "زمین" نام دارد، زمین زراعی، تجاری و باغ و قلمستان را شامل می‌شود. این عامل، ۸۵ درصد از واریانس ثروت را تبیین کرده و بیشترین بار عاملی را به خود اختصاص داده است. عامل دوم که "دارایی" نامیده شده است، ابزارآلات کشاورزی، دارایی‌های عمده و واحد دامی را شامل می‌شود و ۷۸ درصد از واریانس را تبیین کرده و بیشترین بار عاملی را به خود اختصاص داده است. عامل سوم که "مالکیت" نام دارد و مالکیت زمین را شامل می‌شود، ۸۷ درصد واریانس را تبیین می‌کند و بیشترین بار عاملی را به خود اختصاص داده است.

جدول (۴): همبستگی بین سه شاخص قدرت، ثروت و منزلت

شاخص‌ها	قدرت		ثروت		منزلت	
	همبستگی	همبستگی جزئی	همبستگی	همبستگی جزئی	همبستگی	همبستگی جزئی
قدرت	۱	_____	۰/۰۵۸	-۰/۰۰۵	۰/۳۵	۰/۳۳
ثروت	۰/۰۵۸	-۰/۰۰۵	۱	_____	۰/۳۸	۰/۳۴
منزلت	۰/۳۵	۰/۳۳	۰/۳۸	۰/۳۴	۱	_____

جدول فوق، همبستگی بین متغیرها را نشان می‌دهد. همبستگی منفی بین دو متغیر قدرت و ثروت، فقط

جهت رابطه را نشان می‌دهد. از این رو، رابطه بین متغیرهای مذکور نیز معنی‌دار است.

جدول (۵): توزیع رگرسیونی سه شاخص قدرت، ثروت و منزلت به لحاظ قشریندی

شاخص‌ها	ضریب استاندارد شده Beta	همبستگی	همبستگی جزئی
قدرت	۰/۵۴۱	۰/۶۷۸	۰/۷۳۵
ثروت	۰/۱۲۱	۰/۲۳۸	۰/۵۱۳
منزلت	۰/۷۲۴	۰/۸۳۹	۰/۹۲۷

بررسی رابطه بین عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی و ...

همان طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، در رگرسیون چندمتغیره، شاخص منزلت، بیشترین تأثیر را دارد. شاخص‌های قدرت و ثروت، به ترتیب بقیه واریانس‌های مربوط به قشربندی را تبیین می‌کنند. نکته مورد توجه این است که شاخص ثروت، کمترین تأثیر را در بین شاخص‌های مربوط به قشربندی دارد. ظاهراً دلیل آن، اهمیت و اعتبار امور و مسایل فرهنگی و اجتماعی در تعیین جایگاه طبقاتی افراد مورد است.

پس از انجام مراحل کدگذاری، تعیین وزن و مشخص کردن ارزش ریالی هر یک از معرف‌های پرسشنامه مربوط به قشربندی، بر اساس تجارب و پژوهش‌های کارشناسان و نیز وزن ابی هر یک از عوامل، در نهایت، پس از جمع کردن نمرات استاندارد هر یک از افراد، مجموعه‌ای از امتیازات به دست آمد که جایگاه هر فرد را بر روی یک پیوستار نشان داد. پیوستار مذکور، از حداقل ۲۰ امتیاز شروع می‌شود و به حداکثر ۱۳۴/۵ امتیاز، یعنی فقیرترین و مرفه‌ترین فرد می‌رسد. پس از محاسبه حداقل و حداکثر امتیازات کسب شده و از آنجایی که امتیازها تا حدود زیادی یک‌دست بود و شکاف قابل ملاحظه‌ای مشاهده نمی‌شد - به جز یک مورد که دارای بیشترین امتیاز، یعنی حدود ۱۶۳ بود که به دلیل اختلاف بیش از حد آن با بقیه نفرات حذف گردید- نتیجه حاصل از تفاضل بیشترین و کمترین امتیاز، بر عدد ۳ تقسیم گردید که بیانگر تعداد طبقات است. بدین گونه پایگاه اقتصادی و اجتماعی هر یک از افراد، به صورت زیر محاسبه و مشخص گردید:

$$۱۱۴ = ۲۰ - ۱۳۴/۵ = \text{حداقل} - \text{حداکثر امتیاز}$$

$$۳۸ = ۱۱۴ \div ۳ \Rightarrow$$

$$۵۸ = ۲۰ + ۳۸ \Rightarrow \text{طبقه اول بین ۲۰ تا ۵۸}$$

$$۹۶ = ۵۸ + ۳۸ \Rightarrow \text{طبقه اول بین ۵۸/۱ تا ۹۶}$$

$$۱۳۴/۵ = ۹۶ + ۳۸ \Rightarrow \text{طبقه اول بین ۹۶/۱ تا ۱۳۴/۵}$$

از این رو، همه افرادی که بین ۲۰ تا ۵۸ امتیاز گرفته‌اند، فقیر محسوب می‌شوند. کسانی که بین ۵۸/۱ تا ۹۶ امتیاز کسب کرده‌اند، جزء دهقانان متوسط محسوب شدند و همه کسانی که بین ۹۶/۱ تا ۱۳۴/۵ امتیاز کسب کرده‌اند، جزء دهقانان مرفه هستند. نتایج حاصل از قشربندی جامعه مورد بررسی، در جدول زیر بیان شده است:

جدول (۶): نتایج حاصل از قشربندی دهقانان

دهقانان	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
فقیر (۲۰ - ۵۸)	۱۹۸	۶۴/۵	۶۴/۵
میان‌حال (۵۸/۱ - ۹۶)	۹۲	۳۰/۱	۹۴/۶
مرفه (۹۶/۱ - ۱۳۴/۵)	۱۷	۵/۳۷	۱۰۰
جمع	۳۰۷	۱۰۰	-

همان طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، از مجموع ۳۰۷ نفر از اعضای جمعیت نمونه، حدود ۱۹۸ نفر، بین ۲۰ تا ۶۰ امتیاز کسب کرده‌اند. آنها قشر فقیر را تشکیل می‌دهند و حدود ۶۵ درصد از کل جمعیت نمونه هستند. ۹۲ نفر از افراد مورد بررسی، بین ۵۸/۱ تا ۹۶ امتیاز کسب کرده‌اند که حدود ۳۰ درصد از کل جمعیت نمونه را تشکیل می‌دهند. این گروه از افراد، دهقانان متوسط در بخش لاجان شرقی شهرستان پیرانشهر هستند. در نهایت، ۱۷ نفر بین ۹۶/۱ تا ۱۳۴/۵ امتیاز کسب کرده‌اند که حدود ۶ درصد از کل جمعیت نمونه هستند و دهقانان مرفه محسوب می‌شوند.

خرده‌فرهنگ دهقانی

در پژوهش حاضر، خرده‌فرهنگ دهقانی به عنوان یک شاخص ترکیبی و با هشت شاخص عدم اعتماد متقابل، فقدان نوآوری، تقدیرگرایی، پایین بودن سطح آرزوها، عدم چشم‌پوشی از منافع آتی به منظور دستیابی به منافع آتی، فقدان نیاز به پیشرفت، همدلی و تصور خیر محدود در بین دهقانان مورد سنجش قرار گرفته است.

(۱) عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی: در میان ۳۰۷ نفر پاسخگو، ۳۸/۵ درصد از آنها معتقد بودند که دهقانان تمایل ندارند وسایل کار را به یکدیگر امانت دهند. اکثر پاسخگویان، یعنی ۸۹ درصد اظهار کردند که دهقانان هنگام فروش اجناس، دام‌ها و محصولات خود، نقائص آنها را می‌گویند. حدود ۶۰ درصد از پاسخگویان نیز معتقد بودند که دهقانان تمایل دارند به یکدیگر پول قرض دهند و بیش از نیمی از پاسخگویان، یعنی ۵۲/۴ درصد اظهار کردند که دهقانان مایل هستند هنگام مسافرت، کلید خانه را به دست همسایه بسپارند. داده‌های فوق نشان می‌دهند که بیش از نیمی از پاسخگویان، میزان اعتماد را در روابط شخصی میان دهقانان در حد متوسط به بالا می‌دانند.

(۲) فقدان نوآوری: از ۳۰۷ نفر پاسخگو، ۵۱/۱ درصد اظهار کردند که شغل پدرانشان برای یک زندگی موفق و سعادت‌مند، بهترین است و باید آن را ادامه دهند. ۸۹/۴ درصد نیز بیان کردند که اگر مطلع شوند که یک محصول، فروش خوبی دارد و آنها تا به حال آن را نکاشته‌اند، تمایل دارند که در سال آینده، آن محصول را بکارند. ۷۵/۴ از پاسخگویان نیز با این گویه موافق بودند که اگر اتفاقی برای یکی از اهالی روستا بیفتد، مردم تمایل دارند به هر طریقی، به وی کمک کنند و ۶۸/۹ درصد نیز معتقد بودند که اگر در شهر شغلی برایشان پیدا شود، حاضر نیستند که شغل فعلی خود را رها کنند و به شهر بروند. به اعتقاد ۵۳/۲ درصد از پاسخگویان، در استفاده و پذیرش یک نوع بذر جدید، هرگز نباید پیشقدم شد، بلکه باید صبر کرد تا اول دیگران پیشقدم شوند

بررسی رابطه بین عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی و ...

و بعد ما. داده‌های فوق نشان می‌دهند که حدود ۱۸/۶ درصد از افراد مورد بررسی، "سنتی"، ۳۰ درصد "نوآور" و حدود ۵۰ درصد نیز "کاملاً نوآور" بوده‌اند.

(۳) تقدیرگرایی: در میان ۳۰۷ نفر پاسخگو، کمتر از ۲۳ درصد اظهار کردند که سرنوشت هر فردی، قبل از تولد وی مشخص شده است. ۵۷/۵ درصد از آنها نیز معتقد بودند که هر فردی برای یافتن همسر خوب و مناسب، باید آدم خوش‌شانسی باشد. ۶۱/۶ درصد از پاسخگویان نیز بیان کردند که طلاق یا عدم سازش زوجین، به سرنوشت بستگی دارد. ۷۱/۳ درصد نیز معتقد بودند که اگر در حین کار، مار آنها را نیش بزند، نتیجه قضا و قدر بوده است. ۷۵/۲ درصد از پاسخگویان نیز معتقد بودند که هر چیزی که عاید ما می‌شود، ناشی از قسمت و روزی ماست. داده‌های پژوهش نشان می‌دهند که در مجموع، می‌توان گفت ساکنان جامعه مورد بررسی، به قضا و قدر و سرنوشت‌گرایی اعتقاد دارند. به طور کلی، بیش از ۸۰ درصد از افراد مورد بررسی، تقدیرگرا هستند.

(۴) پایین بودن سطح آرزوها: از ۳۰۷ پاسخگو، ۸۵/۷ درصد بر خورداری روستا از برق، تلفن، گاز و راه آسفالت را ضروری می‌دانستند. کمتر از ۳۲ درصد از دهقانان نیز تمایل داشتند که تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی قرار گیرند. بیش از ۶۸ درصد نیز خواهان خطوط منظم تاکسیرانی و وسایل حمل و نقل به شهر بودند. ۷۰/۴ درصد از پاسخگویان نیز بیان کردند که اجرای "طرح هادی"، بزرگ‌ترین دستاورد عمران و آبادی را برای دهقانان به ارمان می‌آورد و بیش از ۶۰ درصد از دهقانان، "ایجاد بانک"، "تأسیس مرکز دهستان"، "وجود مرکز خانه بهداشت با بهیار دایم" و "کارگاه‌های آموزشی و مراکز خدمات نهاده‌های کشاورزی" را برای روستای خود ضروری می‌دانستند. داده‌های فوق، نشان می‌دهند که آرزوهای بیش از ۷۶ درصد از افراد مورد بررسی، فراتر از نیازهای اولیه است که این وضعیت، به دلیل روند توسعه و ناشی از تغییر ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارها است.

(۵) عدم چشم‌پوشی از منافع آتی به منظور دستیابی به منافع آتی: در میان ۳۰۷ نفر پاسخگو، ۳۴ درصد معتقد بودند که اگر مقداری وجه در اختیار دهقانان یا خانواده‌های آنان قرار گیرد، ترجیح می‌دهند که آن را برای طرح‌های تولیدی مورد استفاده قرار دهند. حدود ۶۸ درصد از پاسخگویان نیز اظهار کردند که اگر مقداری وجه در اختیار دهقانان یا خانواده‌های آنان قرار گیرد، ترجیح می‌دهند که آن را در طرح‌های مربوط به بهبود کشاورزی، مورد استفاده قرار دهند. اکثر پاسخگویان، یعنی ۸۰/۱ درصد نیز بیان کردند که دهقانان در صورت کسب درآمد اضافی، به پس‌انداز آن برای روز مبادا گرایش دارند و بیش نیمی از آنان، یعنی ۵۴ درصد بیان کردند که درآمد مازاد خود را صرف خرید لوازم مصرفی و تجملاتی می‌کنند. بر اساس داده‌های پژوهش، می‌توان گفت که جامعه مورد بررسی، به آینده‌نگری اعتقاد دارند و حدود ۷۰ درصد از افراد مورد بررسی، گرایش دارند تا از منافع آتی به منظور دستیابی به منافع آتی صرف‌نظر کنند.

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

۶) فقدان نیاز به پیشرفت: از ۳۰۷ نفر پاسخگو، ۲۶۴ نفر یعنی ۸۶/۱ درصد تمایل داشتند که در مجالس، نظرها و دیدگاه‌های خود را بیان کنند. بیش از ۹۰ درصد از پاسخگویان، معمولاً برای کارهای خود از قبل برنامه‌ریزی می‌کردند. اکثر آنها یعنی ۸۸/۳ درصد، مایل بودند که فرزندان‌شان شهرنشین شوند و تقریباً همه پاسخگویان گرایش داشتند که فرزندان‌شان از تحصیلات عالی برخوردار شوند. از داده‌های فوق، می‌توان استنباط کرد که "انگیزه‌های پیشرفت کم" و "بسیار کم"، فراوانی صفر دارد و حدود ۲۸ درصد از افراد مورد بررسی، "انگیزه پیشرفت نسبتاً زیاد" و ۷۲ درصد از آنها نیز "انگیزه پیشرفت کاملاً زیاد" داشته‌اند.

۷) فقدان همدلی: در میان ۳۰۷ نفر پاسخگو، ۷۶/۲ درصد اظهار کردند که برای حفظ اراضی و مراتع روستا، تمایل دارند که در حد توانشان مشارکت کنند. حدود ۶۵ درصد از پاسخگویان نیز بیان کردند که دهقانان هنگام گرفتاری‌ها، به یکدیگر کمک می‌کنند. اکثر پاسخگویان، یعنی ۸۳ درصد اظهار کردند که اگر اتفاقی برای یکی از اهالی بیفتد، همه تمایل دارند به او کمک کنند و تقریباً اکثر دهقانان، یعنی ۸۷/۴ درصد معتقدند که در انجام طرح‌ها، باید به یکدیگر کمک کنیم و کارها را به طور جمعی و مشارکتی انجام دهیم. در مجموع، بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که جامعه مورد بررسی، از همدلی فراوانی برخوردار است. به طور کلی، بیش از ۷۷ درصد از دهقانان، از روحیه مشارکتی و همدلی برخوردارند.

۸) تصور خیر محدود: از ۳۰۷ نفر پاسخگو، فقط ۱۳ درصد معتقد بودند که اگر یک کشاورز بخواهد در تولید اقتصادی، بازده بیشتری کسب کند، موجب کاهش سهم سایر کشاورزان می‌شود. ۶۸/۱ درصد از پاسخگویان نیز اعتقاد داشتند که اشتغال افراد جدید در کارهای مربوط به روستایان، به آنها ضرر نمی‌رساند و فقط ۳۶ درصد با این گویه موافق بودند که چیزهای خوب، مانند زمین و ثروت به میزان کمی وجود دارند و همگان به آن دسترسی ندارند. داده‌های فوق نشان می‌دهند که اکثر دهقانان به خیر محدود اعتقاد ندارند.

ب) نتایج تحلیلی پژوهش

بررسی رابطه بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی دهقانان با هر یک از عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی

در جدول (۵)، آزمون معنی‌داری رابطه بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی دهقانان و مؤلفه‌های عناصر

خرده‌فرهنگ دهقانی، به عنوان متغیر وابسته بیان شده است.

جدول (۷): آزمون‌های معنی‌داری رابطه بین متغیر وابسته و مؤلفه‌های متغیر مستقل

سطح معناداری (Sig)	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعدیل یافته (R^2 . Adg)	ضریب تعیین (R^2)	پایگاه اقتصادی - اجتماعی
۰/۰۰۴	-۰/۸۶۷	.۷۳۵	.۷۵۱	عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی
۰/۰۰۰	-۰/۷۱۵	.۵۰۶	.۵۱۱	عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی
				فقدان نوآوری

بررسی رابطه بین عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی و ...

تقدیرگرایی	./۰۱۳	./۰۰۹	۰/۱۱۸	۰/۳۱۵
پایین بودن سطح آرزوها	./۸۳۱	./۸۲۵	-۰/۹۱۲	۰/۰۰۲
عدم چشم‌پوشی از منافع آتی به منظور دستیابی به منافع آتی	./۴۱۲	./۴۰۳	-۰/۶۴۲	۰/۰۲۱
فقدان نیاز به پیشرفت	./۰۳۱	./۰۰۲	۰/۱۷۷	۰/۲۱۵
فقدان همدلی	./۰۰۱	./۰۰۰	۰/۰۴۱	۰/۷۱۵
تصور خیر محدود	./۵۴۶	./۵۳۳	۰/۷۳۹	۰/۰۰۳

در جدول فوق، از آزمون رگرسیون^۱ دو متغیره، برای سنجش معنی‌داری رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته استفاده شده است. با توجه به یافته‌های جدول (۵)، می‌توان نتایج فرضیه‌ها را به صورت زیر تبیین کرد:
فرضیه ۱: بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی دهقانان و میزان عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون رگرسیون دو متغیره نشان داد که بین دو متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی دهقانان و میزان عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی آنان رابطه معناداری وجود دارد (sig=0/0004). ضریب همبستگی نیز ۰/۸۶۷- است که بیانگر وجود رابطه معکوس بین دو متغیر است. یعنی هر چه پایگاه اقتصادی - اجتماعی در میان دهقانان بالاتر رود، به همان میزان نیز عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی کاهش می‌یابد. از این رو، فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

فرضیه ۲: بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی دهقانان و فقدان نوآوری، رابطه معنی‌داری وجود دارد.
نتایج حاصل از آزمون رگرسیون دو متغیره نشان داد که بین دو متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی دهقانان و فقدان نوآوری در میان آنان رابطه معناداری وجود دارد (sig=0/000). ضریب همبستگی نیز ۰/۷۱۵- است که بیانگر وجود رابطه معکوس بین دو متغیر است. هر چه پایگاه اقتصادی - اجتماعی در میان دهقانان بالاتر رود، به همان میزان نیز نوآوری در میان آنان افزایش می‌یابد. بنابراین، فرضیه فوق تأیید می‌شود.

فرضیه ۳: بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی دهقانان و تقدیرگرایی، رابطه معنی‌داری وجود دارد.
نتایج حاصل از آزمون رگرسیون دو متغیره نشان داد که بین دو متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی دهقانان و تقدیرگرایی رابطه معناداری وجود ندارد (sig=0/315). یعنی پایگاه اقتصادی - اجتماعی دهقانان، مقدار بسیار کمی از واریانس مربوط به تقدیرگرایی را تبیین می‌کند. از این رو، می‌توان گفت که فرضیه پژوهش رد می‌شود.
فرضیه ۴: بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی دهقانان و پایین بودن سطح آرزوها، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

نتایج آزمون رگرسیون دو متغیره نشان داد که بین دو متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی دهقانان و پایین بودن سطح آرزوها رابطه معناداری وجود دارد (sig=0/002). ضریب همبستگی نیز ۰/۹۱۲- است که بیانگر وجود رابطه معکوس قوی بین دو متغیر است. یعنی هر چه پایگاه اقتصادی - اجتماعی در میان دهقانان بالاتر

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

رود، به همان میزان نیز میزان انتظارات، توقعات و آرزوها در میان آنان افزایش می‌یابد. بنابراین می‌توان گفت که فرضیه فوق تأیید می‌شود.

فرضیه ۵: بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی دهقانان و عدم چشم‌پوشی از منافع آتی به منظور دستیابی به منافع آتی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون رگرسیون دومتغیره نشان داد که بین دو متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی دهقانان، و عدم چشم‌پوشی از منافع آتی به منظور دستیابی به منافع آتی، رابطه معناداری وجود دارد (sig=/.021). ضریب همبستگی نیز ۰/۶۴۲- است که بیانگر وجود رابطه معکوس بین دو متغیر است. یعنی هرچه پایگاه اقتصادی - اجتماعی در میان دهقانان بالاتر رود، به همان میزان نیز اعتقاد به آینده‌گرایی در میان آنها افزایش می‌یابد. بنابراین، می‌توان گفت که فرضیه مذکور تأیید می‌شود.

فرضیه ۶: بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی دهقانان و فقدان نیاز به پیشرفت، رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون رگرسیون دومتغیره نشان داد که بین دو متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی دهقانان و فقدان نیاز به پیشرفت در میان آنها، رابطه معناداری وجود ندارد (sig=/.215). یعنی پایگاه اقتصادی - اجتماعی دهقانان، به انگیزه پیشرفت آنها مرتبط نیست و همه دهقانان (غنی، متوسط و فقیر) از انگیزه پیشرفت بسیاری برخوردارند. بنابراین، می‌توان گفت که این فرضیه رد می‌شود.

فرضیه ۷: بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی دهقانان و فقدان همدلی رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون رگرسیون دومتغیره نشان داد که بین دو متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی دهقانان و فقدان همدلی، رابطه معناداری وجود ندارد (sig=/.715). یعنی همدلی و مشارکت در میان دهقانان، تابع پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنها نیست. در مجموع، می‌توان گفت که همه دهقانان، از روحیه مشارکتی و همدلی بسیاری برخوردار هستند. از این رو، می‌توان گفت که فرضیه پژوهش رد می‌شود.

فرضیه ۸: بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی دهقانان و تصور خیر محدود رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون رگرسیون دومتغیره نشان داد که بین دو متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی دهقانان و تصور خیر محدود، رابطه معناداری وجود ندارد (sig=/.715). یعنی تصور خیر محدود در میان دهقانان، تابع پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنها نیست. در مجموع، می‌توان گفت که اکثر دهقانان، به خیر محدود اعتقاد ندارند. از این رو، می‌توان گفت که فرضیه پژوهش رد می‌شود. با توجه به اینکه سطح سنجش مؤلفه‌های متغیر مستقل و وابسته، فاصله‌ای است، از رگرسیون چندمتغیره^۱ برای پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته با توجه به تغییرات متغیرهای مستقل استفاده می‌کنیم.

جدول (۸): نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره

روش ورود متغیرها	Method: Enter
------------------	---------------

1 Multiple Regression

بررسی رابطه بین عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی و ...

R= .785	ضریب همبستگی چندگانه
R2= .616	ضریب تعیین
R2. Adg= .593	ضریب تعیین تعدیل یافته
S.E= 4/41	خطای معیار
ANOVA=28/72	تحلیل واریانس
Sig= .000	سطح معناداری

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهند که همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته، ۷۸ درصد است که به لحاظ شدت، قوی است. علاوه بر این، متغیرهای مذکور می‌توانند ۶۱ درصد از وضعیت خرده‌فرهنگ دهقانی را در میان دهقانان تبیین کنند (یعنی ۷۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود). ضریب تعیین تعدیل یافته نیز ۵۹ درصد است. این معیار نسبت به ضریب تعیین، حقیقی‌تر است، زیرا لزوماً با افزایش تعداد متغیرهای مستقل، افزایش نمی‌یابد، در حالی که ضریب تعیین، تابع تعداد متغیرهای مدل است. جدول (۵): توزیع رگرسیونی سه شاخص قدرت، ثروت و منزلت به لحاظ قشربندی

شاخص‌ها	ضریب استاندارد شده Beta	همبستگی	همبستگی جزئی
قدرت	۰/۵۴۱	۰/۶۷۸	۰/۷۳۵
ثروت	۰/۱۲۱	۰/۲۳۸	۰/۵۱۳
منزلت	۰/۷۲۴	۰/۸۳۹	۰/۹۲۷

همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، شاخص منزلت، بیشترین تأثیر را در رگرسیون چندمتغیره دارد. شاخص‌های قدرت و ثروت، به ترتیب بقیه واریانس مربوط به قشربندی را تبیین می‌کنند. شایان ذکر است که شاخص ثروت، کمترین تأثیر را در میان شاخص‌های مربوط به قشربندی داشته است. ظاهراً دلیل آن، اهمیت و اعتبار امور و مسایل فرهنگی و اجتماعی در تعیین جایگاه طبقاتی افراد مورد بررسی است.

بحث و نتیجه‌گیری

ایران، جامعه‌ای چندملیتی و چندفرهنگی است که گروه‌های مختلف، با گرایش‌های متفاوت مذهبی و سنت‌های قومی، ساکنان آن را تشکیل می‌دهند. جوامع چندفرهنگی، متشکل از خرده‌فرهنگ‌های متفاوت هستند و اگر زمینه‌ای برای تلفیق و مشارکت آنها در ساختاری قانونمند فراهم نگردد، تحقق توسعه متوازن اجتماعی میسر نیست. با توجه به اهمیت این موضوع، توجه به خرده‌فرهنگ‌ها به عنوان یکی از پیش‌فرض‌های مهم در توسعه اجتماعی جوامع چندملیتی، موجب توجه بسیاری از جامعه‌شناسان و پژوهشگران علوم اجتماعی شده است. به دلیل تأثیری که پدیده مذکور در تسریع توسعه دارد، چشم‌اندازهای متفاوت، راهکارهای گوناگون و گزینه‌های متمایز، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در مقاله حاضر، رابطه بین عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی و پایگاه (قشربندی) اقتصادی - اجتماعی روستاییان، مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که از میان هشت عنصر خرده‌فرهنگ دهقانی، عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، فقدان نوآوری، پایین بودن سطح آرزوها، عدم چشم‌پوشی از منافع آنی به منظور دستیابی به

منافع آتی و تصور خیر محدود، تابع پایگاه اقتصادی-اجتماعی دهقانان هستند. یعنی هر چه پایگاه اقتصادی-اجتماعی دهقانان بالاتر یا پایین تر باشد، عناصر مذکور نیز به همان میزان، در جهت توسعه یا خلاف آن حرکت می‌کنند. فقدان همدلی، فقدان نیاز به پیشرفت و تقدیرگرایی نیز با قشربندی دهقانان، ارتباط معناداری نداشتند، یعنی پایگاه اقتصادی بالا یا پایین، تأثیر چندانی بر عناصر مذکور نداشت. نتایج حاصل از رگرسیون چندمتغیره نیز نشان داد که از میان شاخص‌های مربوط به قشربندی، شاخص‌های منزلت، قدرت و ثروت، به ترتیب بیشترین واریانس مربوط به قشربندی را تبیین کردند. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر که بیانگر آماده بودن بستر فرهنگی و اجتماعی جامعه مورد بررسی به لحاظ عناصر و مفاهیم مورد نیاز برای توسعه است، ظاهراً برای تحلیل توسعه‌نیافتگی جامعه مورد بررسی (با توجه به شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی) باید در کنار عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی، سایر عوامل مؤثر مانند مرزی و دور بودن منطقه از مرکز، عدم سرمایه‌گذاری‌های کلان و زیربنایی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت، کمبود امکانات آموزشی، فرهنگی و عدم توزیع مناسب و عادلانه منابع ثروت، قدرت و نیز بیرونی بودن سیاست‌گذاری‌ها و مرکزی بودن برنامه‌ریزی‌های توسعه را نیز مورد توجه قرار داد.

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: انتشارات کیهان.
- تامین، ملوین (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی نظری و کاربردی*. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: نشر توتیا.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۶). *توسعه اقتصادی در جهان سوم*. ترجمه غلامعلی فرجادی. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۷۷). *توسعه و نابرابری‌های اجتماعی*. (رساله دکتری). دانشگاه تهران.
- سو، آلون (۱۳۸۰). *تغییر اجتماعی و توسعه*. ترجمه محمود حبیبی مظاهری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شکویی، حسین (۱۳۷۵). *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*. تهران: انتشارات گیتاشناسی.
- عظیمی‌آرانی، حسین (۱۳۷۵). *مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران*. تهران: نشرنی.
- کازنوو، ژان (۱۳۵۴). *جامعه‌شناسی رادیو و تلویزیون*. ترجمه جمشید ازجمند. تهران: انتشارات سروش.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۹). *بررسی تطبیقی ابعاد روان‌شناسی اجتماعی نظام‌های بهره‌برداری از مراتع در استان‌های آذربایجان شرقی و کردستان*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۰). *بررسی انزوای ارزشی و مشارکت فرهنگی در محیط‌های دانشجویی*. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۲). *سنجش برخی از ویژگی‌های خرده‌فرهنگ دهقانی در عشایر عضو نظام‌های بهره‌برداری از مراتع در استان‌های آذربایجان شرقی و کردستان*. نامه انسان‌شناسی. ۱(۴).
- Baum, M. (1963). *Behind Mud Walls* Berkeley Calif. University of Chicago Press.
- Kim, Yong, Shalow A, Mate K, Vanderwarker C, Gupta R, Farmer P. (2005). Limited good and limited vision: multidrug-resistant tuberculosis and global health policy. *Social Science & Medicine*. 61(4), 847- 859.
- Lehman, D. (1979). *Development Theory, Four critical studies*. Cambridge. University of Cambridge.
- Lerner, D. (1958). *The Passing of Traditional Society*. Glencoe: Free Press.
- Rogers, E. (1969). *Modernization Among Peasants*. N.Y. Holt.